

دوقرن وادادگی و بردگی

رضامحمدی فیروزجایی

مقدمه

دوران حدوداً دوقرنه قاجاریه و پهلوی را باید دو قرن وادادگی و بردگی نامید. این مدعا را می‌توان از طریق انفعال این دو حکومت در برابر استعمارگران به اثبات رسانید. در این میان با نگاهی به قراردادهایی که پادشاهان قاجار و پهلوی با قدرت‌های بیگانه بستند می‌توان به این نتیجه رسید که در تمام این معاملات و معاهدات آن کشوری که متضرر شد، ایران بود. این معاهدات، یک طرفه و ظالمانه بود و پادشاهان ایران باج فراوانی به خارجی‌ها دادند. در این مقاله با نگاهی اجمالی به برخی از این معاهدات ظالمانه از عصر قاجار تا پایان عصر پهلوی، تنها به زوایایی کوچک از این ماجرا پرداخته می‌شود. می‌شد معاهدات و امتیازنامه‌هایی نظیر: امتیاز خوشتاریا، امتیاز کشتیرانی در رود کارون، امتیاز استخراج معادن، قرارداد ایران و شوروی در سال ۱۹۲۱ و دهها مورد دیگر از این دست را نیز برآن افزود که به علت پرهیز از طولانی شدن این تحقیق، از ذکر آن‌ها پرهیز می‌گردد.

فین کین‌اشتاین

اولین معاهده بین ایران و غرب در فین کین‌اشتاین بین ایران و فرانسه منعقد شد که یک پیمان تدافعی نظامی بود در مقابل روس و انگلیس، یعنی ایران در سرکوب انگلیس در هند به فرانسه یاری کند و فرانسه نیز در سرکوب روس و بیرون کردن او از متصرفات ایران به این کشور یاری کند و گاردان به عنوان سفیر دولت فرانسه در ایران برای آموزش نظامیان به ایران گسیل شد.^۱ مذاکرات انعقاد قرارداد، معروف «فین کین‌اشتاین» بود که در تاریخ ۱۸۰۷م (۱۲۲۲هـ.ق) در ۱۶ ماده به امضاء رسید. به دنبال حملات پی‌درپی قوای روسیه به مناطق شمالی ایران، دولت ایران برای دفع این حملات، ابتدا از انگلستان تقاضای کمک کرد. لیکن انگلیسی‌ها به علت اتحاد با روسیه بر ضد فرانسه، حاضر به همکاری با ایران نشدند. ناچار دولت ایران به ناپلئون بناپارت امپراتور فرانسه توسل جست و ناپلئون نیز که برای مقابله با انگلستان به یک متحد در منطقه نیاز داشت درخواست ایران را پذیرفت. از این رو بین طرفین، عهدنامه‌ای به نام فین کین‌اشتاین منعقد شد. به موجب این قرارداد، فرانسه تعهد کرد که با ارسال اسلحه و کارشناس نظامی، ایران را در بازپس‌گیری گرجستان و دیگر متصرفات روسیه در خاک ایران یاری کند. در برابر، ایران تعهد سپرد که تمامی روابط سیاسی و تجاری خود را با انگلستان قطع و به این کشور اعلان جنگ دهد و در جنگ فرانسه با انگلیس و روس، متحد فرانسه باشد. همچنین اگر ناپلئون بخواهد از ایران به هند که مستعمره انگلیس بود، لشکر کشی کند، ایران امکانات خود را برای

عبور سپاهیان فرانسه در اختیار آن‌ها قرار دهد. پس از انعقاد این پیمان، گروهی از مستشاران نظامی به فرماندهی ژنرال گاردان به ایران آمدند تا لشکریان ایران را رسم جنگ‌های اروپایی بیاموزند. این معاهده دیری نپایید و ناپلئون بر خلاف قرار خود، پس از مدتی با روسیه طرح دوستی ریخت و مستشاران فرانسوی، ایران را ترک کردند. عهدنامه فین کین‌اشتاین علی‌الظاهر خواسته‌ها و مقاصد فتحعلی‌شاه را تأمین می‌کرد؛ ولی مواد قرارداد طوری تنظیم شده بود که ناپلئون می‌توانست، هر موقع بخواهد، از زیر تعهدات خود شانه خالی کند.

عهدنامه مجمل

قرارداد استعماری دیگر، عهدنامه‌ای به نام «مجممل» است. این قرارداد در نوزدهم مارس ۱۸۰۹ از طرف میرزا محمدشفیع صدراعظم و حاج محمدحسین خان مستوفی الممالک به نمایندگی ایران و سرهارفورد جونز به نمایندگی انگلیس امضاء شد. در این عهدنامه، ایران متعهد شد «هر عهد و شرطی را که قبلاً با هر یک از دولت‌های فرنگ بسته است باطل سازد و لشکر فرنگ را از حدود متعلقه به خاک ایران، راه عبور به طرف هندوستان ندهد.» به موجب فصول هشت‌گانه این عهدنامه، ایران تعهدات مختلفی را برای کمک و همکاری با انگلیسی‌ها و مساعدت با نیروهای آن‌ها در بنادر و جزایر خلیج فارس پذیرفته، ولی انگلیسی‌ها خود را از مشکلات و گرفتاری‌های احتمالی ایران در آینده بر کنار نگاه داشته‌اند. به طور مثال در فصل هفتم این عهدنامه آمده است که «اگر جنگ و نزاعی فی‌مابین دولت ایران و افغانستان اتفاق افتد، اولیای دولت انگلیس را در آن میانه کاری نیست و به هیچ طرف اعانت و امداد نخواهند کرد، مگر آن که به خواهش طرفین، واسطه صلح گردد.» تعهدات متقابل انگلیس نسبت به ایران مبهم و کلی است و تفصیل و جزئیات آن به قرارداد مفصل تری که می‌بایست بعداً به امضای دولتین برسد، موکول گردیده است.^۲

عهدنامه مفصل

عهدنامه «مفصل» نیز دست‌کمی از عهدنامه مجمل نداشت. در این عهدنامه که در واقع مکمل عهدنامه قبلی و استعماری‌تر از آن به شمار می‌رود، دولت ایران بار دیگر متعهد شده است که «از تاریخ این عهدنامه فیروز، هر عهد و شرطی که با هر یک از دولت‌های فرنگ بسته‌اند باطل و ساقط سازند و لشکر سایر طوایف فرنگستان را از حدود متعلقه به خاک ایران، راه عبور به طرف هندوستان و سمت بنادر ندهند.»



و جنگ‌هایی شد که سرانجام به تصرف برخی ایالت‌های ایران و انعقاد عهدنامه گلستان منتهی گشت. کشور روس در تلاش بود از شمال ایران (دریای خزر) تونل بزند و به آب‌های گرم خلیج فارس و هندوستان دست یابد، لذا در صدد برآمد که برای رسیدن به این اهداف ایران را تضعیف کند. بنابراین هم‌زمان با فعالیت‌های ژنرال گاردان مستشار نظامی انگلیسی برای تقویت قوای نظامی ایران، مخصصات ایران با روسیه تزاری به چند دلیل شروع شد که دو تا از مهم‌ترین آن‌ها به این شرح است:

۱. ژنرال سیسیانف روسی بدون اعلام جنگ به طرف ایروان حرکت کرد.
۲. با حمله سیسیانف به تفلیس و فوت گرگین خان، پسر او تهمورث به دربار ایران پناهنده شد و همین بهانه‌ای برای شاه ایران شد تا فرمان حمله به گرجستان را صادر کند و به طور خلاصه بهانه دوره اول جنگ‌های ایران و روس، انقلابات داخلی گرجستان و علت اصلی جنگ، تصرف ناحیه گرجستان توسط هر دو طرف بود. ولی با قتل سیسیانف توسط حاکم باکو (حسینقلی خان) گودویچ در روسیه فرماندهی سپاه را بر عهده می‌گیرد و در سال (۱۸۰۳ / ۱۲۱۸) به ایروان حمله می‌کند و گنجه؛ موطن نظامی گنجوی شاعر معروف ایران را تصرف می‌کند ولی عباس میرزا - ولیعهد ایران - از رود ارس عبور می‌کند و قوای روس را شکست داده و به عقب می‌راند. در سال ۱۸۰۵ نیروی دریایی روس به بندر انزلی حمله می‌کند که نیروهای ایرانی تلفات سنگینی بر آن‌ها وارد می‌کنند و در اواسط ۱۸۰۷ گودویچ نماینده‌ای جهت امضا قرارداد متار که جنگ به ایران می‌فرستد ولی فتحعلی‌شاه با امید به همکاری ناپلئون فرانسوی، شرط مذاکرات را تخلیه تمامی نواحی تحت اشغال دانست و در نهایت نماینده روس دست‌خالی برگشت. بعد از مدتی در سال ۱۸۱۲ به علت پیمان اتحاد انگلیس و روس مستشاران نظامی انگلیس که در ایران حضور داشتند به جز چند سرجوخه، پست‌های خود را ترک

ننگین‌ترین قسمت این قرارداد استعماری، فصول پنجم و ششم آن است. در فصل پنجم این قرارداد آمده است: «هرگاه طایفه افغانه را با اولیاء دولت بهیه انگلیس نزاع و جدالی باشد، اولیای دولت علیه ایران لشکر تعیین نموده، به قسمتی که مصلحت دولتین باشد، به دولت بهیه انگلیس اعانت و امداد نماید و وجه اخراجات آن را از اولیاء دولت بهیه انگلیس بگیرد از قراری که اولیای دولتین قطع و فصل خواهد کرد.» و بلافاصله در فصل ششم می‌آید که: «اگر جنگ و نزاعی فی‌مابین دولت علیه ایران و افغان اتفاق افتد، اولیای دولت بهیه انگلیس را در آن میان کاری نیست و به هیچ طرف کمک و امدادی نخواهند کرد.»^۴ یعنی ایران موظف است در صورت نزاع بین افغانه و انگلیسی‌ها، به کمک انگلیس بشتابد، ولی در صورت نزاع بین ایران و افغانه، انگلیسی‌ها تعهدی ندارند!

عهدنامه گلستان

عهدنامه گلستان عهدنامه صلحی بود که با وساطت انگلستان در قریه گلستان در ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ (۲۹ شوال ۱۲۲۸) در منطقه قراباغ بین ایران و روسیه به امضا رسید. دولت روسیه تزاری برای این که به دریای آزاد، آب‌های گرم خلیج فارس و هندوستان دست یابد، مهم‌ترین راه را گذر از کشور ایران می‌دانست. بنابراین از طریق تصرف بخش قفقاز و ترکستان غربی که جزء سرحدات ایران بود، آن را تحت فشار قرار داد. همان طوری که در وصیت‌نامه پتر کبیر آمده است «... کشور گرجستان و سرزمین قفقاز رگ حساس ایران است. همین که نوک استیلای روسیه به آن رگ برسد، فوراً خون ضعف از دل ایران جاری می‌شود و هیچ پزشک حاذقی نمی‌تواند آن را بهبود بخشد...»^۵ اتحاد چنین سیاستی از سوی روسیه، مقدمه تعدی روسیه به سرحدات ایران

با فتح اصلاندوز و ایروان، آذربایجان هم تهدید شد و به علت عدم تجهیزات کافی در ارتش ایران تبریز به تصرف درآمد. و شاه به خاطر فشار سرگور اوزلی (سفیر انگلیس) و از ترس این که انگلیس حمایت مالی خود به ایران را قطع کند و نیز به جهت این که در منطقه ترکمان خراسان سر به شورش برداشته بودند و اوضاع نامساعد بود و ترس از پیشروی روس هم در دل شاه و هم در انگلیس وجود داشت، بنابراین زمینه فراهم شد که فتحعلی شاه تقاضای میانجی‌گری و صلح را بپذیرد.

مشخص نشود عازم تهران خواهد شد. در این میان شاه سرانجام تن به امضای عهدنامه ترکمن‌چای داد

در فصل دهم این قرارداد دو دولت رضایت خود را جهت تنظیم یک قرارداد تجاری جداگانه‌ای که جزو این معاهده بود، اعلام کردند.^۴ فصل هشتم، هشتم و نهم این معاهده جداگانه که به مسایل حقوقی و جزایی اتباع روسیه مربوط است، مهم‌ترین قسمت عهدنامه بود؛ چرا که با اجرای این فصول رژیم کاپیتولاسیون، به نفع روس‌ها برقرار شد. متن فصل هشتم قرارداد به شرح ذیل است: «چون وزیر مختار و شارژدافرو (قنصل) حق قضاوت درباره هموطنان خود دارند؛ لذا در صورتی که مابین اتباع روسیه قتل و جنایتی به وقوع رسد، رسیدگی و محاکمه آن راجع به مشارالیه‌م خواهد بود. یعنی ایرانیان حق رسیدگی ندارند. اگر شخصی از اتباع روس متهم به جنایتی گردد مورد مزاحمت و تعرض نخواهد گردید؛ مگر در صورتی که شرکت او در جنایت مدلل و ثابت شود و در این حالت در صورتی که تبعه روسیه به شخصه منسوب به مجرمیت نشده باشد، محاکم مملکتی نباید بدون حضور ماموری از طرف سفارت یا قنصل به مسئله جنایت رسیدگی کرده، حکم دهند و اگر در محل وقوع، قنصلگری وجود ندارد، کارگزاران آن جا مجرم را به محلی اعزام خواهند داشت که در آن جا قنصل یا ماموران از طرف روسیه برقرار شده باشد. حاکم و قاضی محلی استشهادهای که علیه و له شخص مظنون است تحصیل کرده امضا می‌نمایند و این دو قسم استشهاد که بدین ترتیب نوشته و به محل محاکم فرستاده می‌شود، نوشته معتبر دعوی محسوب خواهد شد؛ مگر این که شخص مقصر خلاف و عدم‌صحت آن را به طور واضح ثابت نماید. پس از این که کما هو حقه تقصیر شخص مجرم به ثبوت رسید و حکم صادر شد مدعی‌الیه به وزیر مختار یا شارژدافرو یا قنصل روسیه تسلیم خواهد شد که به روسیه فرستاده شده در آن جا موافق قوانین سیاست شود.»^۵ در یک نگاه کلی و اجمالی به مفاد این ننگین‌نامه می‌توان دریافت که تا چه مقدار دولت ایران به طرف خارجی باج داده است. مفاد این عهدنامه این گونه است:

واگذاری خانات ایروان و نخجوان به دولت روسیه و تخلیه تالش و مغان از سپاه ایران.

پرداخت ده کرور تومان (پنج میلیون تومان) به طور اقساط از طرف ایران به روسیه به عنوان غرامت جنگی.

اجازه عبور و مرور آزاد به کشتی‌های تجاری روسی در دریای مازندران رضایت به انعقاد یک عهدنامه تجاری بین ایران و روسیه و حق اعزام کنسول و نمایندگان تجاری به هر منطقه از مناطق ایران که روس‌ها لازم بدانند

می‌کنند و در همین سال روسیه دست به حمله عمومی می‌زند و در اصلاندوز شکست جبران ناپذیری به ارتش ایران و عباس‌میرزا وارد می‌کند. با فتح اصلاندوز و ایروان، آذربایجان هم تهدید شد و به علت عدم تجهیزات کافی در ارتش ایران تبریز به تصرف درآمد و شاه به خاطر فشار سرگور اوزلی (سفیر انگلیس) و از ترس این که انگلیس حمایت مالی خود به ایران را قطع کند و نیز به جهت این که در منطقه ترکمان خراسان سر به شورش برداشته بودند و اوضاع نامساعد بود و ترس از پیشروی روس هم در دل شاه و هم در انگلیس وجود داشت، بنابراین زمینه فراهم شد که فتحعلی شاه تقاضای میانجی‌گری و صلح را بپذیرد نتیجه عهدنامه گلستان در چند بند خلاصه می‌گردد:

- ۱- اتحاد انگلیس و روس و خارج شدن مستشاران نظامی انگلیس از ایران زمینه تضعیف بیشتر ایران را فراهم کرد؛
- ۲- عدم حمایت مالی شاه از ولیعهد، شکست عباس‌میرزا و ایران را در پی داشت؛
- ۳- تحمیل عهدنامه ننگین گلستان توسط روس‌ها بر ایران [۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ م] با وساطت سفیر انگلیس سرگور اوزلی و به وسیله میرزا ابوالحسن خان شیرازی نماینده ایران و نیکولا نماینده روسیه تزاری به امضا رسید و برای اولین بار حافظه تاریخی ایران تغییر کرد و «پادشاه ایران برای ابراز دوستی نسبت به امپراطور روسیه، تمامی ولایات قراباغ، گنجه، خانات موشکی، شیروان، قبه، دربند، باکو و هرجاز و ولایات تالش را که بالفعل در تصرف روسیه است و تمامی داغستان و گرجستان را تا دریای خزر مخصوص و متعلق به دولت امپراتوری روسیه می‌دانند دانست»^۶.

عهدنامه ترکمن‌چای

عهدنامه ترکمن‌چای یکی از ننگین‌ترین عهدنامه‌هایی است که بعد از جنگ ایران و روس، در زمان فتحعلی‌شاه بین نمایندگان دولت روسیه و ایران امضا شد. پس از پیمان‌نامه گلستان دوره دوم جنگ‌های ایران و روسیه آغاز شد. عباس‌میرزا فرمانده سپاه ایران با حرکت به سوی گنجه در این منطقه سنگر گرفت. در این میان پاسکویچ فرمانده سپاه روس نیز خود را به این منطقه رساند. ابتدا عباس‌میرزا به دلیل برخی آشفتگی‌ها در سپاه خود خواست که جنگی اتفاق نیافتد اما تلاش او موثر نیافتاد و جنگ وسیعی در این منطقه در گرفت. در پایان سپاه روس فاتح میدان شد. عباس‌میرزا سرانجام در ناحیه ترکمن‌چای خواست که جلوی پاسکویچ را بگیرد اما در آن جا نیز شکست خورد و سرانجام مجبور شد که شرایط صلح را بپذیرد. در این میان پاسکویچ که خود را مغرور از فتح جنگ می‌دید برای سپاه ایران ضرب‌الاجلی تعیین کرد و گفت چنانچه تا پنج روز تکلیف صلح



درگیری‌هایی بین نیروهای ایرانی و انگلیسی روی داد که به شکست سربازان ایرانی انجامید. از این رو مذاکراتی برای صلح آغاز شد که به عقد معاهده پاریس در فرانسه بین ایران و انگلیس انجامید. با میانجی‌گری ناپلئون سوم، معاهده پاریس در ۴ مارس ۱۸۵۷م، مطابق با ۷ رجب ۱۲۷۳ ه.ق و برابر با ۱۴ اسفند ۱۲۳۵ خورشیدی مابین سفیر ایران در پاریس فرخ‌خان امین‌الملک و سفیر انگلیس در فرانسه لرد کاولی در پانزده فصل بسته شد.^{۱۰} تنها دستورالعملی که از تهران از طرف آقاخان نوری به فرخ‌خان رسید این بود: «شما اختیار دارید در هر مسئله‌ای که مورد تقاضای انگلیسی‌ها است موافقت کنید مگر در دو مورد: یکی سلطنت ناصرالدین‌شاه و دیگری صدارت من»^{۱۱} چرا که در اوان گفتگوی دو طرف جهت دستیابی به صلح، انگلیسی‌ها خواستار برکناری امین‌صدر اعظم روس مآب بودند. طی این عهدنامه که صلح بین دو دولت برقرار گردید انگلیسی‌ها متعهد شدند قوایشان را در مدت کوتاهی از خاک ایران خارج سازند در مقابل دولت ایران با خروج نیروهایش از منطقه مورد مناقشه، از هرگونه حق حاکمیت بر هرات و افغانستان صرف‌نظر کرده و متعهد شد تا در منازعات با افغان‌ها به دولت انگلیس به عنوان میانجی‌گر و قاضی رجوع نماید، دولت انگلیس هم تعهد داد تا از هر تشویبی از ناحیه افغانستان برای دولت ایران جلوگیری کرده و مناسبات ایران با افغان‌ها، شأن و حیثیت دولت ایران را رعایت نمایند. همچنین انگلیس حق داشت در هر نقطه از خاک ایران که صلاح دانست به ایجاد کنسولگری بپردازد. این گونه ایران استقلال افغانستان را

حمایت روسیه از ولیعهدی عباس میرزا و کوشش در به سلطنت رساندن وی پس از مرگ شاه استرداد اسرای طرفین. اعطای حق قضاوت کنسولی به اتباع روسیه علاوه بر امضای معاهده ترکمن‌چای زیر فشار روس‌ها یک عهدنامه تجاری نیز با آنان به امضا رسید که تمام بازار ایران را بدون هیچ مانعی در اختیار روس‌ها قرار می‌داد. نمایندگان ایران و روسیه عهدنامه ترکمن‌چای را منعقد کردند. این عهدنامه در زمان فتح‌علی‌شاه قاجار با میانجی‌گری دولت انگلستان منعقد شد و به موجب آن ولایات ایروان و نخجوان به روسیه واگذار شد و حق کشتیرانی در دریای خزر مجدداً به کشتی‌های روسی واگذار شد. دولت روسیه نیز ولیعهدی عباس میرزا را به رسمیت شناخت و از آن حمایت کرد. همچنین کلیه اتباع روسی براساس عهدنامه ترکمن‌چای از حق کاپیتولاسیون در ایران برخوردار شدند.

معاهده پاریس

انعقاد معاهده پاریس بین ایران و انگلستان و جدا شدن افغانستان از ایران در ۱۲۳۵ ش، یکی دیگر از عهدنامه‌های ننگین عهد قاجاریه بود. پس از تصرف هرات در افغانستان توسط قوای ناصرالدین‌شاه قاجار، دولت انگلستان که از این امر ناراضی بود، به ایران اعلان جنگ داد و جزیره خارک و بوشهر را به اشغال خود درآورد. در این حال

را نمود. به لحاظ جغرافیای سیاسی نیز این پیمان بر ضرر ایران طراحي گردید، زیرا خطوط مرزی کاملاً به نفع روسیه تعیین شد و بهترین زمین‌هایی که ظرفیت فوق‌العاده‌ای برای کشاورزی و دامپروری داشتند از ایران جدا گردید. به گفته‌ی لرد کرزن «روس‌ها در ضمن انعقاد قرارداد مرزی اولاً کوه‌های بلند مرتفع سرحدی را در مرز خودشان انداختند، سپس سرچشمه رودخانه‌ها را نیز جزء خاک روسیه ثبت کردند که هر وقت اراده نمایند آب را از ده‌های ایران قطع کنند و در نتیجه محصول خراسان را تباہ سازند».^{۱۳} علاوه‌بر این دولت ایران تعهد کرده بود که اجازه ندهد در امتداد رودهایی که وارد خاک روسیه می‌شود، روستای جدید ساخته شود یا اراضی زراعی آن مناطق گسترش یابد یا برای زمین‌های در حال کشت بیش از حد آب مصرف شود. بر اساس این تعهد، نماینده‌ی روسیه، کشاورزی در زمین‌های بین دو روستای پنگی قلعه و دربند شرقی را که یک فرسخ مسافت داشت و تقریباً در تمام مواقع سال توسط کشاورزان ایرانی زراعت می‌شد ممنوع کرد، زیرا گسترش کشاورزی در این منطقه را باعث کمبود آب در منطقه‌ی متعلق به دولت روسیه می‌دانست. در سال ۱۳۱۴ق نیز قزاق‌های روسی در «خان کران»، دو فرسنگی «سرخس ناصری» اقامت گزیده، مجرای آب سرخس ناصری را به سوی سرخس کهنه که در تصرف خودشان بود برگرداندند و سرخس ناصری رو به ویرانی نهاد و این‌گونه ناحیه‌ی حاصل‌خیزی از ایران از مدار و چرخه اقتصادی خارج شد.^{۱۴}

قرارداد داریسی

روز هفتم خرداد ۱۲۸۰/۲۸ مه ۱۹۰۱، برای نخستین بار امتیاز استخراج، بهره‌برداری و لوله‌کشی نفت و قیر در سراسر ایران (به جز پنج استان آذربایجان، گیلان، مازندران، گرگان و خراسان) به مدت ۶۰ سال به «ویلیام نکس داریسی» واگذار شد.^{۱۵} «داریسی» در دوره حکومت مظفرالدین‌شاه قاجار این امتیاز مهم را گرفت و متعهد شد طی دو سال شرکت یا شرکت‌هایی را برای بهره‌برداری از امتیاز، تأسیس کرده و از عواید حاصله ۱۶ درصد به عنوان حق‌الامتیاز و ۲۰ هزار لیبره نیز نقداً به عنوان سهم ایران، به دولت بپردازد. این قرارداد ۵ سال قبل از مشروطیت منعقد شد. مجلس اول پس از مشروطه نیز پس از بحث‌های مفصل درباره قرارداد «داریسی»، آن را نه رد و نه تصویب کرد.

این عدم تصمیم، خود نگرانی دارنده امتیاز را در پی داشت. این قراردادها، ماهیت پیمان را نداشتند، بلکه امتیازاتی بودند که از سوی شاه و معمولاً به از اوام‌های دریافتی، به خارجی‌ان واگذار می‌شدند. پیش از مظفرالدین‌شاه نیز، ناصرالدین‌شاه قاجار امتیازات متعددی به خارجی‌ان به ویژه انگلیسی‌ها واگذار کرد. در قرارداد «داریسی»، در تمام مدت صاحب امتیاز از پرداخت مالیات، عوارض و حقوق گمرکی برای کلیه اراضی، ماشین‌آلات، وسایل و مواد لازمی که وارد می‌کرد و جمیع محمولات نفتی که صادر می‌کرد، معاف بود. «ویلیام داریسی» طبق وعده خود به فاصله دو سال پس از اخذ امتیاز، شرکتی را با هدف تلاش برای یافتن نفت ایران تأسیس کرد و این شرکت در ۱۲۸۷ ش در مسجد سلیمان موفق به استخراج نفت شد. دستیابی

به رسمیت شناخت و بدین شکل خاطر انگلیسی‌ها برای دفاع از هندوستان خیالشان راحت شد. به موجب این معاهده ننگین، دولت ایران تعهد سپرد که هرات و تمام خاک افغانستان را تخلیه نماید و از هر ادعایی نسبت به حکومت خود در هرات و تمامی افغانستان دست بردارد. انگلیسی‌ها نیز پذیرفتند که قوای خود را از ایران خارج کنند و اسرای جنگی ایران را آزاد سازند. این معاهده، دست ایران را به کلی از دخالت در افغانستان کوتاه کرد و باعث نفوذ انگلستان در دربار ایران گردید. بنابراین، هرات به کلی از ایران جدا شد و افغانستان نیز با عنوان استقلال‌یابی، از ایران استقلال یافت. عهدنامه پاریس، ضربه شدید دیگری بود که بر پیکر استقلال سیاسی و اقتصادی ایران وارد آمد و بر اثر آن، که کمتر از معاهدات گلستان و ترکمن‌چای بین ایران و روسیه نبود، قلمرو حکومتی ایران به کمترین حد خود رسید.

معاهده پاریس همانند عهدنامه گلستان و ترکمن‌چای محدودیت ارضی کشور ما را در این دوره از تاریخ ایران افزایش داد و ضربتی مهلک بر پیکر استقلال سیاسی و اقتصادی ایران وارد آورد.

پیمان آخال

پیمان آخال یا پیمان آخال‌تکه، معاهده‌ای است که در زمان ناصرالدین‌شاه میان روسیه‌ی تزاری و ایران برای تعیین مرزهای دو کشور در مناطق ترکمن‌نشین شرق دریای خزر بسته شد. در نتیجه‌ی این قرارداد بخشی از گستره‌ی ایران از مرزهای شمال خراسان تا رود تجن به تصرف روسیه‌ی تزاری درآمد. قرارداد آخال در تاریخ ۲۳ آذر ۱۲۶۰ ش/ ۲۲ محرم ۱۲۹۹ق و ۱۴ دسامبر ۱۸۸۱م میان میرزاسعدخان مؤتمن‌الملک انصاری وزیر امور خارجه‌ی ایران و ایوان زینوویف، وزیر مختار روسیه در تهران منعقد شد و ناصرالدین‌شاه ناگزیر تن به امضای این قرارداد داد. با این پیمان در واقع ناصرالدین‌شاه که هیچ‌گاه نتوانسته بود ترکمن‌ها را شکست دهد حکومت روسیه را بر این مناطق به رسمیت شناخت و ایران و روسیه برای اولین بار در ناحیه‌ی شرق دریای خزر با یکدیگر همسایه شدند. پیمان آخال یکی از قراردادهای تحمیلی است که از سوی دولت روسیه بر ایران تحمیل شد. هر چند اجرای مفاد این پیمان و پروتکل‌های الحاقی آن به دلیل اختلاف‌نظرهای مأموران کمیسیون مشترک و تحمیلات نماینده‌ی روسیه به تدریج محقق شد و سال‌ها به درازا کشید، لکن بر اثر آن سرزمین‌های وسیعی از خاک ایران جدا شد و تأثیرات منفی عمیقی بر سیاست و اقتصاد این کشور برجای گذاشت. از نظر سیاسی هر چند به باور ناصرالدین‌شاه تصرف مرو و آخال از سوی روس‌ها، ایران را از تجاوزات ترکمنان مهاجم نجات می‌داد^{۱۶} لکن این تهاجمات سال‌های بعد نیز ادامه داشت و دولت روسیه هیچ اقدامی به منظور پیش‌گیری از آن به عمل نیاورد. به دنبال قتل ناصرالدین‌شاه، اوضاع ایران رو به وخامت بیشتر نهاد و ضعف حکومت مرکزی بیشتر نمایان شد که این امر خودسری ترکمنان مروی و آخالی مقیم اتک را باعث شد؛ تا آن جا که از فرمانبرداری دولت ایران و پرداخت مالیات سرپیچی کردند. بنابراین ایران از پیمان آخال هیچ نتیجه‌ای به دست نیاورد ولی روسیه حداکثر استفاده

امتیاز متعهد شد که :

۱. در طول مدت قرارداد (۵۰ سال) بر رسوم گمرک و سایر عوارض آن به هیچ وجه نیفزاید.
۲. کسانی را که بدون اجازه کمپانی به خرید و فروش دخانیات اقدام کنند به کیفر سخت برساند.
۳. در صورت اختلاف بین کمپانی انگلیسی و دولت ایران یک نفر از سفرای اتارونی (آمریکا) آلمان اتریش به عنوان حکم داری نمایند.
- و چندین شرط دیگر که همگی حاکی از استعماری و استثمارگری بودن امتیاز است.

به نوشته ناظم الاسلام کرمانی: «کمپانی رژی امتیاز دخانیات را از ناصرالدین شاه گرفت»... و در عوض چند کرور به شاه و درباریان داد. بزرگان ایران از علماء و غیرهم بر معایب و وخامت این عمل واقف شدن که امروز دخانیات محدود شد فردا نمک و روز دیگر هیزم و ذغال و آب و غیره و به ازای آن مبالغی گرفته خواهد شد و صرف آبادی مملکت نخواهد شد. یا تفاوت موجب فلان شاهزاده است یا مدد معاش فلان آقازاده یا خرج مسافرت فرنگ یا نیاز خانم قشنگ ملت متضرر شده و نفع را خارجه برده و بر مملکت هم تسلط و نفوذ تامی حاصل خواهند کرد.^{۱۷} ناصرالدین شاه که می‌پنداشت با پولی که از این راه به دست خواهد آمد نه تنها هزینه این سفر جبران خواهد شد بلکه خرج سفر دیگری نیز تامین خواهد گردید از این روی مصمم شد این امتیاز را به انگلیسی‌ها واگذار کند.^{۱۸} تالبوت وقتی که عازم ایران شد از پاریس نامه ذیل را فرستاد: «این جانب مآژور تالبوت تعهد می‌کنم که برای حضرت اشرف امین‌السلطان و اعلیحضرت شاه ایران به حضرت اشرف مبلغ چهل هزار لیبره استرلینگ بپردازیم؛ ده هزار لیبره از این مبلغ را روز تفویض امتیازنامه رژی ده هزار لیبره دیگر از این مبلغ را دو اولین روزی که امتیاز رژی به موقع اجرا گذاشته شود. بیست هزار لیبره بقیه را دو ماه پس از امتیاز رژی».^{۱۹}

امتیاز رژی به خاطر ماهیت استعماری باعث برخورد شدید و ریشه‌دار محافل مذهبی با استعمارگران و ایادی خائن آنان شد و عکس‌العمل‌هایی به دنبال داشت. و در نهایت با فتوای مرحوم شیرازی نهضت همگانی و پیروز شد.

قرارداد رویتر

این قرارداد ننگین در زمان ناصرالدین شاه و با تلاش صدراعظم میرزا حسین خان سپهسالار و دلالتی میرزاملکم‌خان میان دولت ایران با یک یهودی انگلیس بنام «بارون جولپوس دو رویتر در سال

به نفت ایران برای انگلیسی‌ها، یک جهش بزرگ در نظام اقتصادی کشورشان بود. به گفته یکی از نویسندگان انگلیسی، نفت ایران مانند خون در رگ اقتصاد بریتانیا بود. «پرنال لندن» (London Pronal) مورخ معروف انگلیسی در ۱۹۱۴ م - سال شروع جنگ اول جهانی - درباره نفت ایران می‌نویسد:

«مابح سیاهی که راه خود را در فاصله ۱۴۵ مایلی جزیره آبادان در ظلمت معادن پیدا می‌کند، یک روز ثابت خواهد کرد که خون لازم برای وجود ما خواهد بود.»^{۱۶}

عهدنامه رژی

در سومین سفر ناصرالدین شاه به فرنگ و توقف او در انگلستان (شعبان ۱۳۰۶ ق) پیشنهاد اعطای امتیاز توتون و تنباکوی ایران به انگلستان مطرح می‌شود و قرار آن نیز گذاشته می‌شود. دولت انگلیس به شیوه مرسوم خود فردی به نام تالبوت به عنوان طرف قرارداد معرفی می‌کند. پس از بازگشت شاه، تالبوت نیز وارد تهران می‌شود و در سفارت انگلیس اقامت می‌گزیند و از آن جا مذاکرات مربوط به امتیاز را پی می‌گیرد. سرانجام در تاریخ ۲۸ رجب ۱۳۰۸ امتیاز انحصاری توتون و تنباکوی ایران در ۱۵ ماده تنظیم و به امضای ناصرالدین شاه می‌رسد. براساس این قرارداد:

۱. هر زارع ایرانی ملزم بود که محصول خود را با قیمتی بسیار ارزان به کمپانی رژی بفروشد و با قیمتی گزاف توتون و تنباکوی مورد نیاز خویش را بخرد؟
 ۲. انگلیسی‌ها تسهیلات و امکانات فراوانی کسب کردند از جمله: در اختیار داشتن زارعین و حتی حکام ولایات برای کسب هر نوع خیر. در حقیقت جاسوسی به شیوه انگلیس برای آگاهی از چند و چون کشاورزی ایران و در نهایت رسیدن به مقاصد استثمارگرانه و گسترش هر چه بیشتر سلطه خویش.
 ۳. سلب هر نوع حقوق از تاجر کاسب و زارع و مصرف کننده ایرانی در زمینه حمل و نقل و خرید و فروش توتون و تنباکو... مگر با اجازه کتبی صاحبان امتیازنامه.
 ۴. معافیت کمپانی از هرگونه رسوم گمرکی و پرداخت مالیات در مورد ورود جمیع اسباب و آلات لازم.
- با این شرایط مرزهای ایران بدون قید و شرط به روی انگلیسیان باز می‌شد و به آنان اجازه می‌داد که هر چه می‌خواهند به ایران وارد کنند حتی اسلحه و مهمات جنگی چنان که بعداً معلوم شد بسته‌هایی به عنوان اسباب و آلات شرکت رژی از انگلستان حمل می‌شده اما حاوی اسلحه و مهمات جنگی بوده است. دولت ایران با واگذاری این

امتیاز رژی به خاطر

ماهیت استعماری

باعث برخورد شدید

و ریشه‌دار محافل

مذهبی با استعمارگران

و ایادی خائن آنان

شد و عکس‌العمل‌هایی

به دنبال داشت. و در

نهایت با فتوای مرحوم

شیرازی نهضت همگانی

و پیروز شد.

خود صرف امور خیریه ایران نمایند. دولت ایران حق خواهد داشت که توسط یکی از مأمورین خود هر سال حساب منافع خالص صاحب این امتیاز را تحقیق نماید. اعلی حضرت این امتیاز را در حق عالیجاه... و در حق صاحبان حقوق او با امضای خود تصدیق و مقرر فرمودند و از تاریخ امروز بر عهده دولت ایران واجب است که حقوق این مقرر است که دخیل این معاملات و بازی‌های لاتاری شدن و خرید و فروش بلیطها و تمبرهای قرعه و لاتاری در ممالک ایران از برای احدی به هیچ وجه مجبوری نخواهد بود و در کل ممالک ایران هر کس خواه تبعه‌ی ایران و خواه تبعه‌ی خارجه کاملاً مختار خواهد بود که به میل خود داخل معاملات بالاتری بشود.^{۳۱}

قرارداد ۱۹۱۹

وثوق الدوله، صدراعظم احمدشاه قاجار از نخستین روزهایی که زمام امور را در دست گرفت، به طور محرمانه مذاکراتی را برای انعقاد یک قرارداد با نمایندگان دولت انگلیس آغاز کرد که این مذاکرات، به صورت کاملاً سری، در حدود نه ماه به طول انجامید. سرانجام در روز هجدهم مرداد سال ۱۲۹۸ شمسی یک روز پس از امضای قرارداد ۱۹۱۹ میلادی در حالی که شاه قاجار عازم اروپا بود، ناگهان و بدون زمینه قبلی، اعلامیه وثوق الدوله به ضمیمه متن قرارداد در ایران منتشر شد و اعلام گردید که این قرارداد مورد تصویب هیئت وزیران قرار گرفته است. این قرارداد شامل ۶ ماده و یک مقدمه و خلاصه آن عبارت بود از تعهدات انگلستان درباره احترام مطلق به استقلال و تمامیت ایران، تامین مستشاران انگلیسی برای ادارات ایران و همکاری با ایران در زمینه احداث خطوط آهن و شبکه ارتباطی به همراه اعطای وام از طرف انگلستان، همچنین به موجب این قرارداد، انگلیس، زمام امور مالی، اقتصادی و ارتش ایران را در دست می‌گرفت و ارتش متحدالشکل زیر نظر فرماندهان انگلیسی تشکیل می‌شد. تعرفه گمرکی نیز در ظاهر برای حفظ منافع ایران و در حقیقت به سود بریتانیا تغییر می‌یافت. با انتشار این بیانیه، موجی از مخالفت و موافقت در کشور برخاست و وثوق الدوله برای آرام کردن اوضاع، به مخالفان خود، مقادیر زیادی رشوه داد. متن قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس به این شرح است:

- ۱- نظر به روابط محکمه دوستی و مودت که از سابق بین دولتین ایران و انگلیس موجود بوده است و نظر به اعتقاد کامل به این که مسلماً منافع مشترک و اساسی هر دو دولت در آتیه تحکیم و تثبیت این روابط را برای طرفین الزام می‌نماید و نظر بلزوم تهیه وسایل ترقی و سعادت ایران بحد اعلی بین دولت ایران از یک طرف و وزیر مختار اعلی حضرت پادشاه انگلستان بنمایند کی از دولت خود از طرف دیگر مواد ذیل مقرر می‌شود:
 - ۱- دولت انگلستان با قاطعیت هر چه تمام‌تر تعهداتی را که مکرراً در سابق برای احترام مطلق استقلال و تمامیت ایران کرده است، تکرار می‌کند.
 - ۲- دولت انگلستان خدمات هر عده مستشار متخصص را که برای لزوم استخدام آن‌ها در ادارات مختلفه بین دولتین توافق حاصل شود به خرج دولت ایران تهیه خواهد کرد.
 - ۳- دولت انگلیس به خرج دولت ایران صاحب‌منصبان، ذخایر و مهمات

۱۲۵۰ ش (۱۲۸۹ هـ ق و ۱۸۷۲ م) بسته شد. به موجب این توافقنامه که به صورت قطعی و انحصاری بود، بهره‌برداری و استخراج کلیه معادن ایران از جمله معادن ذغال سنگ، آهن، مس، سرب، نفت و هر معدن دیگری که در ایران قابل بهره‌برداری بود بجز طلا و نقره و سنگ‌های قیمتی، و نیز بهره‌برداری از جنگ‌ها و احداث قنات و کانال‌های آبیاری اراضی و همچنین احداث راه‌آهن و تراموا، ایجاد جاده‌ها، خطوط تلگراف و کارخانه‌های صنعتی به مدت هفتاد سال و اجازه تمام گمرکات و صدور انحصاری هر گونه محصولات به ایران را به مدت بیست و پنج سال، رویتر انگلیسی با پرداخت ۴۰۰۰۰ پوند و ۶۰ درصد سود حاصل از این امتیاز را خریداری کرد.^{۳۲} چنین امتیازی چنان بی‌سابقه بود که بعضی آن را بخششی بزرگ دانسته و پاره‌ای آن را فروش یک ملک تعبیر کرده‌اند، چرا که به موجب این امتیاز ایران عملاً استقلال سیاسی - اقتصادی خود را از دست می‌داد و بدون جنگ و خونریزی تبدیل به مستعمره انگلستان می‌شد. به نوشته کرزن «این قرار داد در برگیرنده تسلیم کامل همه منابع یک دولت به خارجی‌هاست که مانند آن هرگز به وهم و گمان احدی در نیامده و در تاریخ سابقه نداشته است.»^{۳۳}

قرارداد لاتاری

قرارداد لاتاری میان کشورهای ایران و انگلستان در سال ۱۲۶۷ هجری شمسی (۱۸۸۹ میلادی) توسط دولت قاجار بسته شد. میرزا ملکم‌خان در سفر سوم ناصرالدین شاه به فرنگ با پرداخت مبلغی به عنوان رشوه به شخص شاه توانست رضایت او و امین‌السلطان را برای امضای امتیازنامه تأسیس قمارخانه در ایران یا اصطلاحاً قرارداد لاتاری جلب کند. این قرارداد مابین دولت قاجار و یک تبعه فرانسوی به نام «یوزی دو کار دوئل» که منشی سفارت ایران در لندن بود امضا شد. ملک‌خان پس از اخذ قرارداد با زبوندهایی که در بازار لندن داشت توانست امتیاز لاتاری را به سندیکای انگلیس و آسیا با اخذ پیش‌قسطی به مبلغ بیست‌هزار لیره بفروشد. اما مدتی از امضای قرارداد نگذشته بود که این قرارداد با مخالفت روحانیان و روشنفکران و مخالفان در ایران روبه‌رو شد و ناصرالدین شاه و امین‌السلطان هم به دلیل فشار بسیار زیادی که بر آن‌ها وارد شده بود آن قرارداد را لغو کردند. بعد از پذیرفتن ناصرالدین شاه، ملک‌خان طرح یک امتیازنامه را بدون ذکر نام صاحب امتیاز به این شرح تهیه کرد: «نظر به دولت‌خواهی و خدمت‌انی که عالیجاه... نسبت به دولت ایران ابراز نموده اعلی حضرت شاهنشاه، امتیاز کل معاملات بالاتری (قرعه) و استقراض‌های عمومی بالاتری و ترتیب کمپانی‌های بالاتری یعنی قرعه و فروش بلیط‌های بالاتری و بازی‌های عمومی بالاتری از قبیل "رولت" در کل ممالک ایران از تاریخ امروز الی مدت ۷۵ سال مخصوصاً و منحصر با شرایط ذیل به عالیجاه مشارالیه دادند و او هم با شروط ذیل این امتیاز را قبول کرده و در جمع این معاملات و ترتیبات و استقراض‌های بالاتری که به حکم این امتیاز حق مخصوص و انحصاری عالیجاه... است؛ عالیجاه مشارالیه هر سال از منافع خالصی که بعد از وضع مخارج و ادای صدی پنج سرمایه مصرف‌شده، حاصل بشود صدی بیست به خزانه دولت کارسازی خواهد کرد که اولیای دولت ایران به اختیار

جدید را برای تشکیل قوه متدالشکل که دولت ایران ایجاد آن را برای حفظ نظم در دامنه سرحدات در نظر دارد، تهیه خواهد کرد.

۴- برای تهیه وسایل نقدی لازم به جهت اصلاحات مذکور در ماده دو و سه این قرارداد، دولت انگلیس حاضر است یک قرض کافی برای دولت ایران تهیه یا ترتیب آن را دهد.

۵- دولت انگلستان با تصدیق کامل احتیاجات فوری دولت ایران به ترقی وسایل حمل و نقل که موجب تامین و توسعه می باشد حاضر است با دولت ایران موافقت کرده و اقدامات مشترک ایران و انگلیس راجع به تامین حفظ راه آهن یا اقسام دیگر وسایل نقلیه تشویق کند.

۶- دولتین توافق می کنند در باب تعیین متخصصان برای تشکیل کمیته، که تعرفه گمرکی را مراجعه و تجدیدنظر کرده و با منافع حقه مملکت و تمهید و توسعه وسایل ترقی آن تطبیق نماید. طبق این موارد در نظام آینده ایران وزرای ایرانی در هر وزارتخانه ای که بودند مستشاری بالای سر خود داشتند که از اوامر او نمی توانستند سرپیچی کنند و در صورت بروز اختلاف میان وزیر و مستشار به نحوی یکی از آن ها باید کنار برود.^{۳۳}

این قرارداد با مخالفت جدی بسیاری از آزادی خواهان و دوستداران استقلال ایران مواجه شد که در رأس آنان می توان به آیت الله سیدحسن مدرس اشاره کرد که این قرارداد را به «قبالة فروش ایران»^{۳۴} تعبیر می نمود.

پیمان سعدآباد

در عهد رضاشاه پیمانی بسته شد به نام پیمان سعدآباد که تنها کشوری که بیش از دیگران بهره مند شد، انگلستان بود. در ۱۷ تیر ۱۳۱۶ پیمان سعدآباد میان ایران، ترکیه، عراق و افغانستان به امضا رسید و دول چهارگانه را متعهد می کرد که ضمن محترم شمردن حدود مرزی مشترک، سیاست عدم مداخله مطلق در امور داخلی یکدیگر را دنبال کنند. متعاهدین همچنین توافق کردند که در کلیه اختلافات بین المللی که به منافع آن ها مربوط است با هم مشورت نمایند و عملیات تجاوز کارانه علیه یکدیگر نداشته باشند.^{۳۵} انگلستان که در این زمان سراسر خاورمیانه را تحت نفوذ و سلطه خود داشت و از سال ها قبل به فکر ایجاد سدی آهنین در جنوب شوروی بود تا از توسعه طلبی و نفوذ کمونیسم به سمت خلیج فارس و چاه های نفت جنوب ایران جلوگیری کند، مساعی خود را به کار گرفت تا

زمینه انعقاد یک پیمان منطقه ای بین دولت های دست نشانده منطقه را فراهم کند؛ بدین ترتیب بر اثر کوشش انگلیسی ها زمینه های حل اختلافات و انعقاد پیمان سعدآباد بین ایران، ترکیه، عراق و افغانستان فراهم گردید.^{۳۶} پیمان سعدآباد از جهات مختلف مادی و سیاسی به ضرر ایران و به نفع سه کشور دیگر تمام شد؛ ترکیه قسمتی از ارتفاعات آرات را که دارای موقعیت سوق الجیشی بود به دست آورد؛ خط مرزی ایران و عراق نیز به زبان ایران تعیین شد چرا که رضاشاه منابع نفتی غرب ایران و اداره کامل اروند رود را به عراق واگذار کرد و پذیرفت که بابت عبور کشتی های نفتکش از آبادان مبالغ هنگفتی به عراق بپردازد؛ افغانستان هم با امضای این پیمان از تلاش احتمالی حرکت ناسیونالیستی ایران برای بازگرداندن مناطق تاجیک نشینان کشور در امان ماند؛ در نهایت هم استعمارگر پیر برنده واقعی غایب در این پیمان بود که با امضای این قرارداد به هدف خود برای ایجاد سدی در مقابل کمونیسم رسید. با این حال دیری نگذشت که بیهودگی پیمان سعدآباد بر همگان آشکار شد چرا که با وقوع جنگ جهانی دوم و اتحاد شوروی و انگلیس برای اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ نه تنها هیچ یک از متعاهدین این پیمان به یاری ایران نشتافتند بلکه حتی دولت عراق خاک خود را پایگاه حمله انگلستان به ایران قرار داد.^{۳۷}

کاپیتولاسیون

کاپیتولاسیون به پیمان هایی گفته می شود که حقوق قضاوت کنسولی و حقوق برون مرزی را به کشور دیگری در قلمرو حاکمیت ملی کشور میزبان اعطا می کند.^{۳۸} این پیمان ظالمانه، ریشه در استعمار دارد و کشورهای استعمارگر، این قانون را به کشورهای ضعیف تحت سلطه تحمیل می کردند. منشا اصلی کاپیتولاسیون در ایران را باید در دوران قاجار و به ویژه عهدنامه ننگین ترکمن چای جستجو کرد که در مورد آن سخن به میان آمد. با پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، طی عهدنامه ای که بین ایران و شوروی در ۱۶ فوریه ۱۹۲۱ در مسکو امضا شد، دولت روسیه از کلیه منافع و امتیازات روسیه تزاری در ایران چشم پوشید.^{۳۹} اولین دولت بعد از مشروطیت که الغای کاپیتولاسیون را در ایران اعلام کرد، دولت سپهبدار تنکابنی در ۱۳۲۸ ق. بود.^{۴۰} سرانجام تحت فشار افکار عمومی و فضای حاکم بر روابط بین الملل پس از جنگ جهانی اول، طی فرمانی رضاشاه خطاب به رئیس الوزرای وقت، مستوفی الممالک، خواستار فراهم شدن موجبات عملی الغای نهایی کاپیتولاسیون از

انگلستان که در این

زمان سراسر خاورمیانه

را تحت نفوذ و سلطه

خود داشت و از

سال ها قبل به فکر

ایجاد سدی آهنین در

جنوب شوروی بود تا

از توسعه طلبی و نفوذ

کمونیسم به سمت

خلیج فارس و چاه های

نفت جنوب ایران

جلوگیری کند، مساعی

خود را به کار گرفت

تا زمینه انعقاد یک

پیمان منطقه ای بین

دولت های دست نشانده

منطقه را فراهم کند



ضد این اقدام رژیم ایراد کرد: «ایران دیگر عید ندارد من تأثرات قلبی خودم را نمی‌توانم اظهار کنم. قلب من در فشار است. این چند روزی که مسائل اخیر ایران را شنیده‌ام خوابم کم شده است [گریه حضار]. ناراحت هستم [گریه حضار]. قلبم در فشار است [گریه حضار]. با تأثرات قلبی روزشماری می‌کنم که چه وقت مرگ پیش بیاید [گریه شدید حضار]. ایران دیگر عید ندارد [گریه حضار]. عید ایران را عزا کرده‌اند [گریه حضار]؛ عزا کردند و چراغانی کردند [گریه حضار]؛ عزا کردند و دسته‌جمعی رقصیدند [گریه حضار]. ما را فروختند، استقلال ما را فروختند، و باز هم چراغانی کردند؛ پایکوبی کردند. اگر من به جای این‌ها بودم این چراغانی‌ها را منع می‌کردم؛ می‌گفتم بیرق سیاه بالای سر بازارها بزنند [گریه حضار]؛ بالای سر خانه‌ها بزنند؛ چادر سیاه بالا ببرند. عزت ما پایکوب شد؛ عظمت ایران از بین رفت؛ عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند. قانونی در مجلس بردند؛ در آن قانون، اولاً ما را ملحق کردند به پیمان وین؛ و ثانیاً الحاق کردند به پیمان وین [تا] مستشاران نظامی، تمام مستشاران نظامی آمریکا با خانواده‌هایشان، با کارمندهای فنی‌شان، با کارمندان اداری‌شان، با خدمه‌شان، با هر کس که بستگی به آن‌ها دارد، این‌ها از هر جنایتی که در ایران بکنند مصون هستند! اگر یک خادم آمریکایی، اگر یک آشپز آمریکایی، مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پا منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاه‌های ایران حق ندارند محاکمه کنند، بازپرسی کنند، باید برود آمریکا! آن جا در آمریکا ارباب‌ها تکلیف را معین کنند!... آقا، من اعلام خطر می‌کنم! ای ارتش ایران، من اعلام خطر می‌کنم! ای سیاسیون ایران، من اعلام خطر می‌کنم! ای بازرگانان ایران، من اعلام خطر

طرف دولت شد.^{۳۱} اما چندی بعد پسر تاجدار رضاشاه به احیاء مجدد کاپیتولاسیون در ایران پرداخت. بعد از این که «کندی» به عنوان رئیس جمهور آمریکا برگزیده شد، دولت‌های جهان سوم تحت حمایت راه مجبور به انجام یک رشته اصلاحات صوری نمود. در پی این هدف، محمدرضاشاه، علی امینی، چهره مورد نظر آمریکا را به نخست وزیر انتخاب کرد. وی با انحلال مجلسین به سرعت شروع به انجام اصلاحات مورد نظر کندی که ماموریت اصلی وی اصلاحات اراضی بود، کرد. چندی بعد دولت کندی پیشنهاد اعطای مصونیت به مستشاران نظامی آمریکا را داد؛ اما امینی که از سابقه کاپیتولاسیون در ایران آگاه بود، نمی‌خواست احیاگر مجدد آن باشد. شاه، اسدالله علم را در تیرماه ۱۳۴۱ ش. به نخست وزیر برگزید. علم پیشنهاد آمریکا را برای اعطای مصونیت به مستشاران پذیرفت. لایحه مصونیت مستشاران و تبعه آمریکا، در سیزدهم مهرماه ۱۳۴۲ (در زمانی که حضرت امام در زندان بودند) در کابینه علم، در مجلس شورای ملی علیه حاکمیت ملت ایران به تصویب رسید و پس از چندی که مجلس تشریفاتی سنا نیز بر آن صحه گذارد، در زمان نخست‌وزیری منصور در بیست و یکم مهرماه ۱۳۴۳ دوباره در مجلس شورای ملی مورد تصویب ننگین نمایندگان شاه قرار گرفت.^{۳۲} این اقدام رژیم با واکنش صریح امام مواجه شد و ایشان در ۴ آبان ۴۳ با ایراد سخنرانی کوبنده‌ای، موضع نهضت را در برابر استکبار غرب و شرق روشن نمود و رسوایی جدید رژیم را افشا کرد. امام با این کلمات سخنان خود را آغاز کرد: «قلب من در فشار است... ناراحت هستم... ایران دیگر عید ندارد. عید ایران را عزا کردند. ما را فروختند. عزت ما پایکوب شد. عظمت ایران از بین رفت و...» در ادامه نیز نطق کوبنده‌ای را بر

رختخواب افتادم و سه روز است که گرفتار هستم.» (خاطرات، دوشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۴۹) به گفته فریدون هویدا، آخرین سفیر شاه در سازمان ملل: «... آمریکا و انگلیس مذاکرات سه‌جانبه‌ای را بیش از سه سال ادامه داده بودند تا ضمن آن، راه‌حل مناسبی برای مسئله پر کردن خلاء قدرت در خلیج فارس بعد از تخلیه قوای انگلیسی پیدا شود. سرانجام هم نتیجه مذاکرات بدین جا کشید که قرار شد شاه با اعلام استقلال بحرین موافقت کند و در عوض اجازه باید سه جزیره استراتژیک واقع در تنگه هرمز را که برای دفاع از این آب‌راه اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت، به اشغال خود درآورد...»^{۳۵}

نتیجه: همانگونه که مشاهده شد در طول این دو قرن حاکمیت قاجار و پهلوی، تمام معاهداتی که با خارجی‌ها بسته شد، همگی به سود آنان و به ضرر ملت ایران بود. پس بی‌جهت نیست که این دوران را دو قرن وادادگی و بردگی نامیدیم.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- ابراهیم تیموری، عصریخبری، ص ۱۲
- ۲- آبرماله، انقلاب کبیر فرانسه و ناپلئون، ترجمه رشید یاسمی، ص ۶۰۵
- ۳- محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹، ج اول، صص ۱۰۵-۱۰۲
- ۴- همان، صص ۱۳۸-۱۳۷
- ۵- طباطبایی مجد، غلامرضا؛ معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجاریه، شماره ۴۸، ص ۷۲
- ۶- طباطبایی مجد، پیشین، صص ۷۳ و ۷۴
- ۷- ر. ک: سایت: pajoohe.ir
- ۸- مهیبه، محمدعلی، پژوهشی در تاریخ دیپلماسی ایران، ص ۱۱۲
- ۹- همان، ص ۲۸۹
- ۱۰- شمیم، علی اصغر، تاریخ ایران در دوره سلطنت قاجار، صص ۲۳۴ و ۲۳۵
- ۱۱- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، امیر کبیر، ج ۷، ص ۲۷۶
- ۱۲- مدنی، جلال‌الدین؛ تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران، ج ۱، ص ۴۰۰
- ۱۳- ایران و قضیه ایران، کرزن، جرج ناتانیل؛ ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۱، ص ۱۹۸
- ۱۴- مرزهای ایران، تمخبر، محمدعلی؛ ص ۷
- ۱۵- اسفند، سالروز ملی شدن صنعت نفت، انتشارات وزارت نفت، ۱۳۶۵، ص ۱۰
- ۱۶- همان، ص ۱۷
- ۱۷- تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، ص ۱۹
- ۱۸- تیموری، تحریم تنباکو، صص ۲۵-۲۴
- ۱۹- همان، ص ۲۶
- ۲۰- آبراهامیان، پرواندا؛ ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی، ص ۷۱
- ۲۱- همان، ص ۷۲
- ۲۲- www.hamshahronline.ir
- ۲۳- همان
- ۲۴- صفایی، ابراهیم، رهبران مشروطه، ص ۴۴۶
- ۲۵- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، صص ۴۳-۴۵
- ۲۶- منوچهر محمدی، مروری بر سیاست خارجی دوران پهلوی یا تصمیم‌گیری در نظام تحت سلطه، ص ۷۱
- ۲۷- علیرضا امینی، تاریخ روابط خارجی ایران از قاجاریه تا سقوط رضاشاه، صص ۲۶۱-۲۶۲
- ۲۸- اسداللهی، مسعود احیای کابینتولاسیون و پیامدهای آن، ص ۲۴
- ۲۹- جلونگر، محمدعلی، کابینتولاسیون در تاریخ ایران، ص ۱۲۰
- ۳۰- همان، ص ۱۲۷
- ۳۱- هدایت، مهدیقلی، گزارش ایران قاجاریه و مشروطیت، ص ۱۴۳
- ۳۲- عمید زنجانی، عباسعلی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ص ۴۶۶
- ۳۳- مهدوی، عبدالرضا؛ روابط خارجی در دوره پهلوی، ص ۳۶۲
- ۳۴- هدایت، مهدیقلی؛ خاطرات و خطرات، ص ۳۹۵
- ۳۵- هویدا، فریدون، سقوط شاه، ص ۷۳

می‌کنم! ای علمای ایران، ای مراجع اسلام، من اعلام خطر می‌کنم! ای فضلاء، ای طلاب، ای مراجع، ای آقایان، ای نجف، ای قم، ای مشهد، ای تهران، ای شیراز، من اعلام خطر می‌کنم!» همین سخنرانی نقطه شروع نهضت اسلامی به رهبری امام عظیم‌الشان بود که بعدها به پیروزی انقلاب و سقوط شاه خائن انجامید.

جدا شدن بحرین از ایران

یکی دیگر از معاهدات ننگین عصر محمد رضاشاه، جدا شدن بحرین از ایران بود که در نوع خود خیانت بسیار بزرگی به شمار می‌آمد. کشور بحرین از سی و سه جزیره کوچک و بزرگ تشکیل شده و در گذشته بخشی از امپراتوری ایران پیش از اسلام بوده است. محمدرضاشاه در ۱۴ دی ۱۳۴۷ به یکباره اعلام کرد که اگر اهالی بحرین نمی‌خواهند به کشور من ملحق شوند، ایران ادعای ارضی خود را در مورد این مجمع‌الجزایر پس می‌گیرد و خواسته اهالی بحرین را اگر از نظر بین‌الملل مورد قبول قرار می‌گیرد می‌پذیرد.^{۳۳} نه ماه بعد، وی در زمستان سال ۱۳۴۸ (اوایل ۱۹۷۰) مجدداً در مصاحبه‌ای خواستار حل مسأله بحرین از طریق کسب نظر مردم بحرین به طور رسمی، به وسیله سازمان ملل متحد شد، که بالاخره پیشنهاد رسمی شاه از طریق گفت‌وگوهای بعدی ایران با انگلستان و دبیرکل سازمان ملل (واتانت) در اوایل سال ۱۹۷۰ به نتیجه نهایی رسید و ایران در تاریخ ۹ مارس ۱۹۷۰ (۹ اسفند ۱۳۴۸) رسماً مساعی جمیله دبیرکل سازمان ملل را برای استعمال نظرهای واقعی مردم بحرین از طریق انتصاب یک نماینده ویژه خود برای انجام این مأموریت خواستار شد.^{۳۴}

پس از این بیانات، دولت ایران از دبیر کل سازمان ملل متحد تقاضای میانجی‌گری کرده و اعلام نمود که نظر دبیرکل را مبنی بر این که به تصویب شورای امنیت برسد می‌پذیرد.

اعلامیه استقلال بحرین در تاریخ ۱۴ اوت ۱۹۷۱ منتشر شد و دولت ایران تنها یک ساعت پس از استقلال بحرین آن را به رسمیت شناخت. یک روز بعد (۱۵ اوت)، بحرین و انگلستان یک قرار داد دوستی (با هدف مشورت در مواقع ضروری) با یکدیگر امضا کردند و بدین ترتیب، این منطقه که جزئی از خاک ایران به شمار می‌آمد، از کشورمان جدا شد. غیر از این مسئله که بیان‌گر اوج ذلت پهلوی دوم بود، مسئله دیگر، ارزش استراتژیک بی‌نظیر بحرین است. هر چند در قراردادهای ترکمن‌چای و گلستان، ایران ۲۶۳۷۰۰ کیلومتر مربع از خاک خود را از دست داد و بحرین با احتساب آب‌های اطرافش از این منطقه بسیار کوچکتر است اما ارزش راهبردی بحرین، به عنوان نبض حیاتی خلیج فارس و گذرگاه نفتی، هم از نظر اقتصادی و هم از حیث سیاسی و نظامی به مراتب از سرزمین‌های از دست رفته در قرارداد ترکمن‌چای و گلستان بیشتر است. بنابراین شاید بتوان گفت که این قرارداد به نوعی ننگین‌تر از معاهده ترکمن‌چای و گلستان بود. اسدالله، علم، رفیق گرمابه و گلستان شاه، نیز اذعان می‌کند که در این معامله، ایران به شدت دچار خسارت شد و زمانی که با سفیر انگلیس درباره بحرین و سه جزیره سخن می‌گوید، به شدت دچار ناامیدی می‌شود: «حال من به قدری بد شد که با تب در